



حکمرانی؛ گفت و گو و سرمایه اجتماعی

در اندیشه و سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۵

روح الله صفریان^۱، امیر مسعود شهرام نیا^۲، سید جواد امام جمعه زاده^۳

چکیده

امام رضا (علیه السلام) در دوره خاصی از نظر فکری و اجتماعی به سر می بردند. ایشان تحت شرایطی پیشنهاد منصب ولایت عهدی از طرف مامون را می پذیرند و سعی دارند جامعه را با راهبردهایی منطقی در مسیر حقیقی دین اسلام هدایت کنند. هدف اصلی این مقاله این است که چهارچوب تحلیلی چهار مرحله ای اسپرینگز بر راهبردهای امام رضا (علیه السلام) در آن دوره برای هدایت مردم و تمشیت امور را بازسازی کند. بر این اساس، ابتدا به ارزیابی چشم انداز ایشان از مشکلات و وضعیت آن روز جامعه اسلامی می پردازد. سپس بی نظمی و ناهنجاری های جامعه را از نظر آن امام ریشه یابی می کند. همچنین جامعه مطلوب و راه حل امام رضا (علیه السلام) برای رسیدن به آن را مطالعه می کند. از نظر امام رضا (علیه السلام) مهم ترین مشکل و بی نظمی آن روز جامعه اسلامی، انحراف در وجوه گوناگون از دین اسلام است. ایشان راه حل مشکلات را پیاده کردن یک ساختار اجتماعی و سیاسی خاص در چهارچوب اسلام می داند که در قالب امروزی آن ایجاد نوعی حکمرانی مطلوب است. البته ایشان قبل از ولایت عهدی، بیشتر حوزه اجتماعی حکمرانی را دنبال و پس از آن به تمام ابعاد توجه می کند. تحقق این حکمرانی هم در قالب گفت و گو در تمام ارکان اجتماعی است. آن امام بزرگوار از این طریق و با اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی و به عبارتی با ایجاد سرمایه اجتماعی بسیاری از اهداف خود را تحقق می بخشد.

کلیدواژه ها: حکمرانی، گفت و گو، سرمایه اجتماعی، سیاسی.

۱. دکترای علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول): Rooholla.safar@yahoo.com

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: m.shahramnia@ase.ui.ac.ir

۳. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: Javad@ase.ui.ac.ir

مقدمه

یکی از منازعات اصلی در ادارهٔ امور عمومی و مدیریت توسعه، نقش و جایگاه حداکثری دولت و کنش منفعلانه نیروهای اجتماعی و یا برعکس است. در دوره‌های مختلف و با تغییر و تحول فکری و فنی در عرصهٔ جهانی از یک طرف و تجارب ناموفق جهانی در غالب شدن هر کدام از آن‌ها از طرف دیگر، موازنه‌سازی بین این دو دیدگاه مطرح می‌شود و چهارچوب راهبری امور در قالبی اجتماعی و با نقش همه نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد، چنانکه بر رویکردی تاکید می‌شود که هم دولت کارآمد و راهبر و هم نهادهای فراگیر اجتماعی را در ساختارش جای داده باشد (عجم‌اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۲: ۱۲۲). بر مبنای این همراهی دولت و جامعه و نقش همزمان آن‌ها در مدیریت امور، نهادهای بین‌المللی مقولهٔ حکمرانی خوب را مطرح می‌کنند.

در نظام حکمرانی فرایند تصمیم‌سازی در فضای اجتماعی و ساختاری انجام می‌شود؛ به عبارتی، در شکل دادن به سیاست‌ها و استراتژی‌های کلی همه نیروها با هم مشارکت و تعامل ساختاری دارند (Guga, 2015: 8). مشارکت اجتماعی از طریق شبکه‌ها و انجمن‌ها صورت می‌گیرد و به‌نوعی محصول نظام حکمرانی جامعهٔ همکار و دولت کارآمد است. در این نظام اگرچه تنوعات و پیچدگی‌ها فراوان است، اما از طریق ساختارها و سنت‌های پیش‌بینی شده تعامل، گفت‌وگو و مذاکره صورت می‌گیرد و در نهایت هم توافق نهادهای شده در طراحی راهبردها ایجاد می‌شود. در اسلام و مشخصاً قرآن کریم هم به حکمرانی با لفظ حکم اشاره شده است و به کیفیت، ماهیت و حتی ساختار حکمرانی و ثقل آن (امامت و ولایت) می‌پردازد. در تعالیم قرآنی اشاره شده است در نظام حکمرانی اسلامی آحاد جامعه در اداره امور نقش و مشارکت گسترده‌ای دارند. هدف اصلی این نظام حکمرانی، قرار گرفتن انسان‌ها در مسیر کمال و سعادت است (ص، ۲۶؛ آل عمران، ۱۰۴). برقراری این نظام برای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه حتی در دورانی هم که قدرت سیاسی در دست نداشتند، مهم‌ترین راهبرد است. البته با استقرار حکومت اسلامی، سازه‌های اجتماعی و سیاسی این حکمرانی، بروز عینی و همه‌جانبه پیدا می‌کند (جمال‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹۱). با توجه به شرایط جامعه در پیشرفت زمینه‌های فلسفی و فکری و نیز وجود انواع انحرافات،

امام رضا (علیه السلام) برای ایجاد جامعه‌ای توحیدمحور و از بین بردن انحرافات چه در دوره قبل و چه در دوره پس از ولایت‌عهدی به ایجاد نوعی ساختار اجتماعی و سیاسی (حکمرانی) می‌اندیشند که این حکمرانی در دوره قبل از ولایت‌عهدی بیشتر جنبه اجتماعی و پس از آن به تمامی جنبه‌ها سرایت می‌کند. بنیان این حکمرانی با گفت‌وگو و همکاری اجتماعی شکل می‌گیرد. حتی مناظراتی که امام با مکاتب و فرقه‌های منحرفی داشتند در غایت به چنین سرانجامی می‌رسید و از حالت تعارضی و تقابلی دوری می‌جست. امام رضا (علیه السلام) در نهایت با گفت‌وگو و مناظراتی که در این دوره در لایه‌های مختلف شکل می‌دهند، نوعی اعتماد، شبکه‌سازی و سرمایه اجتماعی را راهبری می‌کنند که در تحقق اهداف مد نظر امام (علیه السلام) راهگشاست.

بنابراین مسئله اصلی این تحقیق این است که راهبرد اصلی امام رضا (علیه السلام) برای غلبه بر انحرافات در جامعه اسلامی بر چه اساسی شکل می‌گیرد؟ یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که راهبرد امام رضا (علیه السلام) برای غلبه بر انحرافات موجود بر پایه نوعی ساختار اجتماعی و سیاسی (حکمرانی) شکل می‌گیرد که با گفت‌وگو بین ارکان گوناگون اجتماعی و ایجاد سرمایه اجتماعی در جامعه سامان‌دهی می‌شود. بنابراین این مقاله با روش تحلیلی (بازسازی چهارچوب تحلیلی اسپرینگر) و توصیفی و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی راهبرد کلی امام رضا (علیه السلام) برای غلبه بر انحرافات و مشکلات جامعه آن روز می‌پردازد. این راهبرد بر اساس سازمان‌دهی یک نظام حکمرانی با دولتی راهبر و جامعه‌ای گفت‌وگومحور تنظیم می‌شود که به ایجاد سرمایه اجتماعی و در نهایت سعادت همگانی منجر خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

در موضوع این مقاله آثار پژوهشی پیدا می‌شود که هر چند غیرمستقیم با آن ارتباط پیدا می‌کند، اما ساختار و کلیت این آثار و حتی راهبرد آن‌ها با مقاله پیش رو متفاوت است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

جمال زاده و همکاران (۱۳۹۸) و محمدرضا حاتمی و همکاران (۱۳۹۷) در مقالاتی برخی از مهم‌ترین مولفه‌های حکومت مطلوب از نظر ایشان را بررسی کرده‌اند در حالی که مقاله پیش رو، علاوه بر مولفه‌های سیاسی، به ساختار اجتماعی و نیز ارتباط ارکان اجتماعی با یکدیگر و دولت می‌پردازد. نجفی و همکاران (۱۳۹۷)، فقط به حقیقت امامت و شکل آرمانی حکومت شیعه می‌پردازند. لنگرودی و همکاران (۱۳۹۷) به وحدت و اتحاد بین مسلمانان پرداخته‌اند و بیشتر موضوع اتحاد در لایه‌های پایین اجتماعی مد نظر است، اما مقاله حاضر موضوع اتحاد و هماهنگی بین تمام ارکان اجتماعی را بررسی می‌کند. محور اصلی پژوهش سروری مجد (۱۳۹۵) مولفه‌های اصلی تعاملات اجتماعی است. بدیهی است این اثر پژوهشی به دور رکن تعاملات سیاسی و اجتماعی و کارکرد آن در سیره امام رضا (علیه السلام) می‌پردازد. اسماعیل زاده و همکاران (۱۳۹۵) به تقریب مذاهب تنها به عنوان یکی از راهبردهای امام رضا (علیه السلام) در حکمرانی مطلوب پرداخته‌اند. درخشه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی فقط به عناصر آرمانی در اندیشه و سیره سیاسی امام (علیه السلام) می‌پردازند و راهبرد اجتماعی ایشان را مد نظر قرار نمی‌دهند. امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۳) به تعدادی از مواضع و راهکارهای امام (علیه السلام) در برابر برخی مسائل جامعه آن روز می‌پردازند، در حالی که مقاله پیش رو ساختار اجتماعی سیاسی خاص امام رضا (علیه السلام) در قبال مشکلات آن روز جامعه اسلامی را بررسی می‌کند.

۲. چهار چوب مفهومی

حکمرانی

«حکمرانی» ترجمه‌ای از واژه یونانی «کوبرنا» به معنای سکاندار قایق یا کشتی بود که ظاهراً اولین بار به عنوان استعاره توسط افلاطون به مفهوم رهبری به کار رفت. افلاطون این واژه را به منظور تبیین کم و کیف یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی معنای راندن، حکمرانی کردن یا رهبری را به خود گرفت (سلطانی نژاد،

۱۳۹۶: ۸۲). بر این اساس، حکمرانی به مثابه عمل یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت تلقی می‌شود. در عصر جدید نهادهای تخصصی و مشورتی سازمان ملل متحد، حکمرانی را مجموعه اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور می‌دانند و همچنین فرایند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت کرده و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است (UN-HABITAT, 2012:5).

بر این پایه حکمرانی در حقیقت تعامل میان ساختار، فرایند و سنت که بر اعمال و رابطه قدرت در مجموعه‌های نهادی و اجتماعی دلالت دارد و مفاهیم هدایت، کنترل و تنظیم فعالیت‌ها در جهت منافع مردم یا همه شهروندان، رأی‌دهندگان و کارکنان مستتر است (Plumpter, 1999:3). جوهره حکمرانی به روابط اجزای درون حکومت و بخش‌های غیرحکومتی اشاره دارد (Kaufmann, 2010:4). موضوع اساسی در حکمرانی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری در این باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا و چه هنگام به‌دست آورد (Sapru, 2006:308).

گفت‌وگو

گفت‌وگو ابزاری است که در زندگی روزمره انسان‌ها و جامعه کاربرد دارد و ارتباطات بر اساس آن شکل می‌گیرد. بنابراین به عنوان مقوله اجتماعی و جامعه‌شناختی تعبیر می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۲۲). گفت‌وگو با یاری خرد، اراده خام مردم را به اراده جمعی و یگانه شده تبدیل می‌کند (بوردو، ۱۳۷۸: ۲۱۱). با گفت‌وگو امکان درک، تفاهم و شناخت متقابل فراهم و پس از درک و تفاهم و شناخت متقابل شرایط برای مبادله فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به نحوی مولد و سازنده بین طرفین آماده می‌شود (موثقی، ۱۳۸۶: ۱۹۶).

سرمایه اجتماعی

نظریه سرمایه اجتماعی به هانی فن^۱ باز می‌گردد، اما ابداع و ابتکار سرمایه اجتماعی را در حوزه مشارکت مدنی و عملکرد نهادی به رابرت پونتام^۲ نسبت می‌دهند. سرمایه اجتماعی از نظر پونتام جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد است که با تسهیل همکاری، هماهنگی و گفت‌وگو در میان اعضای جامعه، آن‌ها را قادر می‌سازد تا اهداف مشترک‌شان را به‌طور کارآمدی دنبال کنند (Putnam, 2001:123). این تعریف دو جزء برای سرمایه اجتماعی تعیین می‌کند: ۱. پیوند عینی میان افراد ۲. این پیوند دوجانبه مورد اعتماد و مستلزم احساس مثبت است (Paxton, 1999:93). با افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه، احساس مثبت و اعتماد در سه سطح فردی، گروهی و کلان فراهم می‌شود (Bourdieu, 1985: 284). از دید ولکاک، سرمایه اجتماعی در بردارنده اطلاعات، اعتماد و هنجارهای متقابل است که در شبکه‌های اجتماعی و تعاملات یک فرد وجود دارد و رسیدن به اهداف را تسهیل می‌کند (Woolcock, 1988:153).

۳. چهارچوب نظری (حکمرانی مطلوب؛ گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی)

در الگوی حکمرانی مطلوب، دو بخش سازمان‌دهی شده است. در بخش اول، ساختار شکلی و کلی نیروهای اجتماعی ترسیم شده است. در بخش دوم، ماهیت دولت و نظام سیاسی ارائه می‌شود. بخش اول در حقیقت بر مبنای شراکت و همسازی نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد. تعادل بخشی بین ارزش‌های متنوع و گرایش‌های متفاوت و از بین بردن جنبه‌های ناسازگار در عرصه اجتماعی ماهیت اصلی این بخش از الگو است (2016: 52). این بخش، نظام حکمرانی از طریق گفت‌وگو و شبکه‌سازی، موازنه‌سازی بین تعارضات و الگوهای متفاوت اجتماعی زمینه را برای ایجاد سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند و بر کارکرد و ماهیت نظام حکمرانی تاثیرگذار است.

1. Hani Fan

2. Robert Pontam

تحولات فکری و فنی ناشی از روند جهانی شدن عرصه برای تعاملات و گفت‌وگو بین بخش‌های گوناگون گشوده و نوعی تمرکززدایی در تمام امور شکل می‌دهد. در این دوره ارتباطات و گفت‌وگوها به صورت شبکه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و فرایندهای ارتباطی در سطح ملی و جهانی و به‌طور همه‌جانبه شکل می‌گیرد (بور، ۱۳۹۷: ۲۳). این ارتباطات نهادی در سطوح مختلف (دولت-دولت، دولت-جامعه، جامعه-جامعه، دولت-نظام بین الملل و جامعه-نظام بین الملل) شکل می‌گیرد. در نظام حکمرانی مطلوب گفت‌وگو در قالب انتقادی و عقلانی و به شکل سراسری جریان دارد و ترتیبات سیاسی و راهبری نظام اجتماعی با تعاملی چندجانبه، درک متقابل، اجماع فرهنگی و حتی توافق دربارهٔ موارد خاص ایجاد می‌شود و شرایط زندگی بشر از طریق کنش جمعی بهبود می‌یابد (1: 2018 Binder). نقش دولت در این چهارچوب تسهیل و سازمان‌دهی جامعه است به نحوی که منابع و امکانات بهینه تخصیص یابد و بی‌طرفانه مکانیسم‌های حل منازعه را برقرار و صلح و مسالمت و گفت‌وگو را به‌صورتی مولد و سازنده بین افراد و اقشار مختلف جامعه ایجاد و از آن محافظت و پاسداری کنند (موثقی، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

در نظام حکمرانی مطلوب، سیاست‌گذاری از طریق تعامل و گفت‌وگو انجام می‌پذیرد و حکومت‌ها به همکاری با بازیگران خارج از کنترل سلسله مراتبی‌شان وابسته می‌شوند و یک الگوی نسبتاً پایدار سیاست‌گذاری و هماهنگی به‌وجود می‌آورند (310: 2012 Kazantsev). از این رو حکمرانی در قالب مطلوب و ایده‌آل آن بر ماهیت متکثر قدرت و تکثیر آن میان سطوح دولتی و غیردولتی، تشویق و ترغیب تمرکززدایی از دولت و اتکای روزافزون بر اشکال گوناگون مشورت و مشارکت شهروندان تکیه دارد. در این معنا، حکمرانی از رهگذر نگرشی جدید و متفاوت به مسئله محدود ساختن قدرت سنتی و ایجاد تغییر در آن برای نیل به مدل‌های متنوع تصمیم‌گیری جمعی می‌پردازد. دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که ناکارآمدی نسبی دولت‌ها در انجام یک‌جانبه امور موجب ایجاد و بسط این مفهوم شده است. بنابراین با جداسازی میان بخش‌های مختلف دولت و نیز ایجاد تمایز میان بخش خصوصی و بخش دولتی و بخش دولتی و جامعه مدنی از سوی دیگر سعی در تغییر ساختار سنتی و عمودی قدرت می‌شود و نقش و تأثیرگذاری نهادهای

موازی دولت در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها افزایش پیدا می‌کند. قدرت مشروع از طریق مشارکت، گفت‌وگو و مناظره نهادها و نیروهای متنوع در سطوح مختلف به‌دست می‌آید (UN-HABITAT, 2012:6-7). دولت هم نقشی تسهیل‌کننده و راهبر دارد. بنابراین حکمرانی اگرچه صورتی سیاسی دارد، اما ماهیتی اجتماعی و متکثر و در تعامل و گفت‌وگو به‌دست می‌آید.

با توجه به ساختارها و شبکه‌های شکل گرفته در نظام حکمرانی در سطوح خرد، میانی و کلان تعاملات، همکاری و اعتماد میان افراد گسترده می‌شود. به عبارتی هر چه در جامعه مشارکت مدنی، تعداد انجمن‌های داوطلبانه و سازمان‌های مردم‌نهاد بیشتر شود زمینه گفت‌وگو و تعامل گسترش می‌یابد و به موازات آن سرمایه اجتماعی نیز تقویت می‌شود (van der Kroon, 2002: 9). دولت به جامعه مدنی و گفت‌وگوهای شکل گرفته در نهادهای آن نیاز دارد تا سیاست‌های خود را مشروعیت ببخشد. تشکل‌های جامعه مدنی نیز نیازمند نهادهایی هستند که پشتوانه‌ای قوی را برای حفظ حقوق فردی، حاکمیت قانون، تکررگرایی و زمینه‌سازی در جهت فراهم آوردن بسترهای مناسب اقتصادی به‌وجود می‌آورد.

گفت‌وگو در سطح فردی و خرد هم موجب همکاری و هماهنگی می‌شود و کسب سود و مزیت متقابل را در پی دارد و این به پیش‌بینی رفتارهای اجتماعی منجر می‌شود و در جهت گسترش سرمایه اجتماعی عمل می‌کند (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۲۵)، اما گفت‌وگو در سطح دولت، اجماع‌نخبگان در ترسیم استراتژی‌های کلان و راهبری توسعه را در پی دارد و دولت‌پی‌درپی به اصلاح و پالایش فرایندهای سیاست‌گذاری می‌پردازد و این فرایند موجب کارآمدی دولت می‌شود. به عبارتی در قالب نظام حکمرانی مطلوب سیاست‌گذاری مؤثر نیازمند همکاری، هماهنگی و مشارکت در درون و فراتر از مرزهای سازمانی حکومت است؛ امری که مستلزم تعاملات گسترده بین بازیگرانی است که غالباً پیش‌زمینه‌ها و ترجیحات ارزشی کاملاً متفاوتی دارند (Pierre Peters, 2012: 45).

با توجه به نکات مورد اشاره باید گفت هر چند حکمرانی مطلوب به‌عنوان یک مقوله

در عصر جدید توسط نهادهای بین‌المللی مطرح می‌شود، اما ماهیت و اصول حکمرانی مطلوب و ساختار اجتماعی برآمده از آن با موازین و تعالیم اسلامی مطابقت دارد. از آنجا که الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی با ابتنا بر خدامحوری و حفظ کرامت انسانی و در نظر گرفتن ارزش‌های دینی در برنامه‌ریزی و نیز با ارائه سیاست‌های منطقی مبتنی بر وحی در سیاست‌گذاری امور اجتماعی در تلاش برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی است (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۰؛ رضایی، ۱۳۹۲: ۱۱۰). بر این اساس و با مراجعه به منابع اسلامی و سیره و روش حکومتی پیامبر اسلام و همچنین امام علی (علیه السلام) نوعی حکمرانی اسلامی با ساختاری مردم‌گرا سازمان‌دهی می‌شود که بر مولفه‌هایی مانند حق‌طلبی، قانون‌گرایی، فسادستیزی، رفق و مدارا، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، مشارکت، اثربخشی و پاسخگویی استوار است که این ماهیت و ساختار زمینه را برای ارتباطات اجتماعی و مشارکت سیاسی و در نهایت ایجاد سرمایه اجتماعی در مسیر از پیش تعیین شده فراهم می‌کند (درخشه، ۱۳۹۷: ۱-۲۸). بنابراین در حکمرانی اسلامی و در آیات قرآنی بر حضور مردم در صحنه سیاسی و حمایت از رهبر جامعه اسلامی تأکید شده است (انفال، ۶۴). در این ساختار، ارتباط و همدلی بین این دو بخش تعالی دنیوی و اخروی را در پی دارد. هر چند نقش حاکم و حکومت با دو وجه عدالت و علم راهبردی و تعیین کننده است (قادری، ۱۳۸۹: ۴۵؛ آل عمران، ۳۴ و ۳۳؛ انعام، ۹۰). بر اساس همین منشا راهبرد امام رضا (علیه السلام) در برابر انحرافات جامعه اسلامی پیش‌بینی نوعی حکمرانی است که ساختار اجتماعی و ماهیت سیاسی مذکور را در خود جای داده است.

۴. چهار چوب تحلیلی

نظریه بحران اسپرینگز چهار مرحله دارد که هر مرحله بر مرحله قبلی بنیان نهاده می‌شود. مرحله اول، شناسایی بحران‌ها و شکست‌های جامعه است. مرحله دوم ریشه‌یابی علل است. مرحله سوم نظریه به بازسازی ذهنی جامعه سیاسی می‌پردازد و آرمان‌شهر مجسم می‌شود. در مرحله چهارم با توجه به اقدامات انجام شده در مراحل قبلی به ارائه درمان

و راه حل می‌پردازد (اسپرینگز، ۱۳۷۰: ۳۸-۴۵ و ۲۳۵). در بخش پنجم این مقاله سیاست و سیره امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با جامعه عصر خویش بر اساس چهار چوب تحلیلی مذکور بازسازی می‌شود. بدین ترتیب ابتدا وضعیت و مشکلات جامعه از نگاه امام رضا (علیه السلام) بررسی می‌شود. بر این پایه، به ریشه‌یابی مشکلات توسط ایشان پرداخته می‌شود. سپس با این مبنای بدیل مطلوب مد نظر ایشان ارائه می‌شود. در نهایت هم راهکارهای امام رضا (علیه السلام) برای رسیدن به این وضعیت تحلیل می‌شود.

۵. تبیین الگوی حکمرانی مطلوب در اندیشه و سیره امام رضا (علیه السلام) بر اساس نظریه بحران اسپرینگز

۱-۵. مشاهده و شناسایی مشکلات جامعه اسلامی

دوره امام رضا (علیه السلام) (۱۴۷-۲۰۳ ق) یکی از دوره‌های پرتنش سیاسی و فرهنگی است. مدت امامت امام هشتم حدود ۲۰ سال بود که می‌توان آن را به سه بخش جداگانه تقسیم کرد: ۱۰ سال اول امامت آن حضرت مصادف با زمامداری هارون الرشید است، پنج سال بعد از آن همزمان با خلافت امین بود و پنج سال آخر امامت آن امام بزرگوار با خلافت مأمون و تسلط او بر قلمرو اسلامی آن روز مصادف است. بدین ترتیب امام رضا (علیه السلام) با سه خلیفه عباسی هم‌عصر بودند. اوضاع سیاسی و خلافت عباسی در دوره امام رضا (علیه السلام) با آشفتگی‌های فراوانی همراه است. در طول این ۲۰ سال قیام‌های علوی و غیرعلوی زیادی ضد حاکمیت عباسیان صورت گرفت که در نهایت حکومت عباسی موفق به سرکوبی این قیام‌ها شد (طبری، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۵۲۸۰). از دلایل دیگر، اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی نزاع بر سر تصاحب قدرت در میان خود بنی عباس است. به خصوص می‌توان به درگیری بین امین و مأمون بر سر قدرت اشاره کرد. این درگیری‌ها و تعارضات نمی‌توانست با اخلاق و اصول اجتماعی مد نظر امام رضا (علیه السلام) تناسب داشته باشد. امام در مجموع مردم را از تفرقه و جدایی بر حذر می‌داشت و از نظر ایشان در صورت نزاع و

افتراق، سخت‌ترین عذاب‌ها در انتظار آنان است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۲۳۰، ج ۲۷). در این دوره، موج فکری و فرهنگی بیگانه‌ای بر جامعه اسلامی چیره شده بود که در قالب بحث‌های فلسفی و تردیدبرانگیز نسبت به مبادی خداشناسی، با خود کفر و الحاد به ارمغان می‌آورد. همچنین شاهد گرم شدن بازار اهل نص و اهل رأی هستیم. اهل نص به سنت نبوی و اسناد و نصوص دینی تکیه می‌کردند و اهل رأی، اجتهاد را در مقابل نص قرار می‌دادند. جریان خوارج نیز در این دوره فعال بود و در مقابلش، جریان مرجئه قرار داشت. در مقابل جریان اهل حدیث هم، جریان معتزله به ارائه تفکراتش می‌پرداخت. حتی فراتر از این دوگانه‌های کلامی، انشعاباتی در میان شیعیان نیز به وجود آمده بود و جریاناتی مانند زیدیه و فطحیه در جامعه فعالیت داشتند. جریان بسیار خطرناک و مرموز غلات نیز در این دوره فعال بود و جامعه را به تفکرات شیعی بدبین می‌کرد. از سوی دیگر، افکار الحادی هم از آن سوی مرزهای سرزمین‌های اسلامی در جامعه رواج پیدا کرده بود. در چنین شرایطی، فردی به عنوان خلیفه بر جامعه تسلط دارد که افزون بر فریبکاری، شخصی علاقه‌مند به مباحث فکری با گرایش معتزلی است (رفاعی، ۱۳۴۶ق، ج ۱: ۳۷۵). امام رضا (علیه السلام) در برابر این جریانات هم با تکیه بر مبانی و اصول موضع‌گیری می‌کند و با رهیافتی اجتماعی سعی در تبیین اسلام حقیقی دارد.

عرفی‌سازی سیاست از راهبردهای اصلی دوره مامون است که در این دوره امام رضا (علیه السلام) در برابر آن جهت‌گیری می‌کند و سعی در ارائه صحیح و حقیقی از ماهیت سیاست دارد (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۶). فرمانروایان اموی و عباسی از نظر عقیدتی و منش عملی، با مبانی دین اسلام تعارض و ستیز داشتند. همان اسلامی که با نامش بر مردم حکم می‌راندند، مردم نیز به موجب تسلط حکومت، اسلام را همان گونه می‌فهمیدند که اجرایش را در متن زندگی خویش مشاهده می‌کردند. پیامد این اوضاع، انحراف روزافزون و گسترده از خط صحیح اسلام بود که دیگر مقابله با آن آسان نبود. بر این اساس، امام رضا (علیه السلام) اصل و مبنای حکومت و کارکرد نظام اجتماعی را در قالب زمامداری ائمه و امامان معصوم می‌بیند و نظام غیر از امام معصوم را نظامی منحرف و ناکارآمد می‌داند. در این باره ایشان می‌فرمایند: به راستی امامت زمام دین، مایه نظام مسلمین، صلاح دنیا و عزتمندی

مؤمنان است. همانا امامت ریشه اسلام بالنده و شاخه بلند آن است. کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و فراوانی غنایم و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگهداری مرزها و اطراف کشور، به وسیله امام انجام می گیرد. امام است که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می کند و حدود الهی را بر پا داشته و از دین خدا دفاع می کند و با بیان حکمت آمیز و اندرزهای نیکو و دلیل های رسا، مردم را به سوی پروردگار خویش دعوت می کند (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۸۴).

به رغم تمام مواردی که گفته شد وجود آزادی و آسایش نسبی دهه آخر و نیز علم دوستی که به خصوص در زمان مامون شکل گرفته بود و همچنین شرایط مساعد و مناسب سیاسی و فرهنگی در این دوره که در صورت اتحاد بین شیعیان و جمع شدن زیر پرچم اصیل امامت، می توانست به عنوان نقطه اوج و عطفی مهم و حتی عصری طلایی برای شیعه امامی مطرح شود و آثار گران بهایی از خود به جا بگذارد (اکبری، ۱۳۹۰: ۴-۵). لذا امام رضا (علیه السلام) در این فضا و با سرگرم دیدن حکمرانان، فرصت کوتاهی را به دست آورد تا وظیفه خود را برای آگاه کردن مردم ایفا نماید. امام با شگرد ویژه خود، نفوذ گسترده ای بین مردم پیدا کرد و حتی نوشته هایش در شرق و غرب سرزمین های اسلامی منتشر شد.

۲-۵. ریشه یابی بحران ها و مشکلات جامعه

در این دوره بازار مکاتب گوناگون فکری، فلسفی و کلامی داغ است و گسترش فیزیکی، جغرافیایی و فکری جامعه زمینه را بیشتر برای بروز مشکلات فراهم می کند. از این رو مهم ترین مشکل انحراف از مبانی اصیل اسلامی و عرفی سازی قدرت سیاسی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۳۶۳). این مشکل دلایل مختلفی داشت که یکی از دلایل آن انحرافات عقیدتی در نهضت ترجمه بود. برخی از آثاری که ترجمه می شد، با افکار و مبانی اسلامی تعارض داشت و موجب شبهاتی در میان مسلمانان و همچنین باعث تفرقه می شد. ظهور فرقه های مختلف همانند قطیعه، واقفیه، بشریه، اسماعیلیه، غلات، مفوضه، معتزله، اهل حدیث، اهل جبر، قائلین به تناسخ و زنادقه که خود بار مشکلات را

بیشتر می‌کرد (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵-۲۳).

از مهم‌ترین مشکلات این دوره انحراف از سنت نبوی است. به عنوان نمونه مأمون دستور داد تا حضرت رضا (علیه السلام) نماز عید را بخوانند. امام رضا (علیه السلام) ابتدا نپذیرفتند، ولی چون مأمون اصرار کرد ایشان فرمودند به شرطی نماز می‌خوانند که اجازه دهند به شیوه رسول خدا ﷺ و علی (علیه السلام) نماز بخوانند (مفید، ۱۳۷۸: ۲۵۶). این جمله نشان می‌دهد که در این دوره از آن سنت اصیل تا چه حد انحراف به وجود آمده است. یکی دیگر از انحرافات به وجود آمده در این دوره تحریف احادیث است و احادیث جعلی فراوانی نشر پیدا می‌کند. در این دوره شایعات و دروغ‌پراکنی فراوانی علیه اهل بیت رواج پیدا می‌کند. از دیگر مشکلات این دوره فریب و نیرنگ حکومت است. این مشکل بیشتر زمان خلافت مأمون وجود داشت (جهانگیر فیض آبادی و فرخی، ۱۳۹۵: ۱۸). پایه‌های مشروعیت سیاسی خلافت در این دوره هم بر اساس نظریه‌های مشروعیت در دوره خلافت راشدین و هم نظریه‌های برساختی است، یکی از تدابیر اصلی امام رضا (علیه السلام) نقد این پایه‌ها و دفاع از مبانی و اصول شیعه است (میر حسینی، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۹۵).

یکی از آفات مهم اجتماعی و سیاسی جامعه در این دوره رخنه کردن رذایل اخلاقی است. امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: ما اهل بیتی هستیم که حتی وعده خود به شخصی را دین خود می‌بینیم (یعنی اگر قول و وعده‌ای شخصی دادیم) ملتزم هستیم که مانند دین و بدهی آن را ادا کنیم، همچنان که پیامبر چنین کردند (قمی، ۱۳۷۷: ۹۲۹). از دیگر مشکلات اجتماعی در این دوره، ظلم و پایمال کردن حقوق و کرامت افراد و بی‌عدالتی است. به ویژه اینکه این رفتار به انحای مختلف از ناحیه نظام حکمرانی رخ می‌دهد. امام رضا (علیه السلام) به شیوه‌های مختلف سکوت، فشار و مقابله، پرده از ظلم‌های مأمون کنار می‌زدند تا به درد سادات و علویان رسیدگی و آن‌ها را از ریشه کن شدن حفظ کنند. امام می‌فرمایند: به کارگیری عدل و احسان عامل پایداری نعمت‌هاست (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۴).

امام رضا (علیه السلام) در این دوره با مشی میانه و بر مبنای اصل امر به معروف و نهی از منکر، انحرافات و اشکالات سیاسی را بدون هیچ ملاحظه‌ای تذکر می‌دهند. امام با اصول و

مبانی حقیقی اسلام و مذهب شیعه سعی داشتند که بر انواع انحرافات غلبه کنند. بنابراین هدف امام چه قبل و چه بعد از ولایت‌عهدی این است که از طریق گفت‌وگو با مردم و مناظره با جریان‌های مختلف فکری و فلسفی انحرافات را از بین ببرند و مردم را در مسیر اصلی و حقیقی اسلام هدایت کنند (درخشه، ۱۳۹۲: ۱۱).

می‌توان گفت از نظر امام رضا (علیه السلام) مهم‌ترین مشکل جامعه در این دوره، انحراف از حقیقت اسلام است و برای حل این مسئله یک ساختار اجتماعی و سیاسی مطلوب با یک ماهیت هدفمند و راهبردی در نظر می‌گیرند و از لحاظ ماهوی بر این اصل کلی تأکید دارند که کاربست حقیقی سیاست اسلامی تأمین سعادت جامعه و افراد است. لذا نباید با نادرست پنداشتن هدف سیاست در تأمین قدرت از هر ابزاری برای نیل به آن بهره برد. بنابراین در این دوره انواع انحرافات فکری و عقیدتی و مشکلات و بحران‌های اجتماعی، سیاسی در جامعه اسلامی گسترش پیدا می‌کند که مهم‌ترین عامل آن از نظر امام رضا (علیه السلام) اولاً در نظام و ساخت حکومت بنی عباس به‌ویژه در روش حکومتداری دوره مامون بیشتر مشاهده می‌شود. ثانیاً شرایط فرهنگی و اخلاقی به‌گونه‌ای است که جامعه به‌تدریج از مبانی و اصول اولیه اسلامی دور می‌شود.

۳-۵. حکمرانی مطلوب در سیره و اندیشه امام رضا (علیه السلام):

در واقع سیاست و حکومت در دیدگاه امام رضا (علیه السلام) همان ادامه جریان بشر به‌سوی خیر، سعادت و فضیلت به‌شمار می‌رود و ابزاری است که زمینه را برای اهداف متعالی فراهم می‌کند (حاتمی، ۱۳۹۸: ۲۰۲). البته عرصه سیاسی در یک زمینه اجتماعی هم‌دل و هماهنگ به شرایط تعالی و تعادل می‌رسد. نظام حکمرانی در اندیشه امام رضا (علیه السلام) دارای دو بخش اجتماعی و سیاسی است که با همکاری تمامی نیروهای اجتماعی و نیز به‌وسیله حکومتی که دارای ماهیتی هدفمند و سعادت‌گرا است شکل می‌گیرد.

۵-۳-۱. حکمرانی در اندیشه امام رضا (علیه السلام):

تشکیل حکومت اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی دین اسلام در هدایت مردم به سعادت حقیقی است. بر این پایه در نظام حکمرانی اسلامی و شیعی حاکم عالم و عادل ترین فرد است. چنانکه مبنای اندیشه سیاسی امام رضا (علیه السلام) هم مانند پدران بزرگوارش باور به تشکیل حکومت مطلقه دینی بر پایه حاکمیت الهی و نفی حاکمیت خاندانی، قبیله‌ای و قومی است. بر این اساس، سیاست در اندیشه امام رضا (علیه السلام) همان ادامه جریان بشریت به سوی خیر، فضیلت و سعادت است و پیروی از طریق اهل بیت همان ادامه جریان بشر به سوی خیر و سعادت است که تنها راه نجات و رستگاری و غلبه بر انحرافات جامعه است (درخشه، ۱۳۹۲: ۸۷).

هدف حکمرانی اجرای حدود الهی است. از نظر ایشان اگر حاکمی از اجرای حدود الهی سرباز بزند، مستحق عذاب الهی است. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: اگر چیزی از پیش خود آوردم یا در حکم خدا تغییر و دگرگونی کردم، شایسته این مقام نبوده، خود را مستحق کیفر نموده‌ام و من به خدا پناه می‌برم از خشم او (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۱۱). بنابراین از نظر امام رضا (علیه السلام) حکومت زور و زردنیا نیست، بلکه مسئولیتی الهی است که مبنایش حفظ اسلام، عدالت، استکبار ستیزی، آزادی و کرامت انسان‌هاست. امام رضا (علیه السلام) در حقیقت سعی در بنیان نهادن یک آرمان شهر اسلامی دارد که بر اساس تعالیم قرآنی و آموزه‌های نبوی راهبری می‌شود و در مسیر تحقق آموزه‌های اسلامی، جاری کردن شریعت الهی و سنت و سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) حرکت می‌کند و زایل کننده تمام انحرافات است که بدون شک به سعادت بشری رهنمون می‌شود. بنابراین در آرمان شهر مد نظر امام (علیه السلام) نوعی حکمرانی شکل می‌گیرد که علاوه بر بخش حکومت (نظام سیاسی)، اجزایی دیگر وجود دارد و نظام سیاسی دارای ماهیت و ساختاری است که موجد نوعی توسعه و تعامل اجتماعی می‌شود. از نظر امام رضا (علیه السلام) انسان برای تحقق اهداف خود نیازمند ارتباط با سایر افراد است تا بتواند به نتایج مطلوب مد نظر خویش دست یابد و این خواسته جز با وحدت و یکدلی تحقق نمی‌یابد. بدین ترتیب، مدل حکمرانی مد نظر امام رضا (علیه السلام) در قالبی اجتماعی و درگفت‌وگو و تعامل با دیگران به دست می‌آید. بنابراین

امام رضا علیه السلام در آگاه‌سازی تمامی افشار مردم درباره واقعیت حکومت مامون و مقایسه آن با حکومت اصیل اسلامی می‌کوشد (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۹). بر این اساس، از نظر امام رضا علیه السلام بنای حکمرانی از سه جزء اساسی تشکیل می‌شود. بنیان حکومت اسلامی بر اصل توحید و ایمان به خداوند یکتا قرار گرفته است و جزء بعدی که امام است، باید احکام الهی را جاری سازد و امام از طرف خداوند مامور برای اجرای قواعد الهی است و هر چند مشروعیت امام از طرف خداوند است، اما با حمایت مردمی جنبه عملیاتی پیدا می‌کند و این فرامین و قواعد الهی هم برای رستگاری مردم است (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ۳۶؛ فرمیه‌نی، ۱۳۹۳: ۷۳).

۵-۳-۲. اجزای نظام حکمرانی در اندیشه امام رضا علیه السلام:

الف. توحید

بنیادی‌ترین اصل در منظومه جهان‌بینی امام رضا علیه السلام توحید است. توحید پایه معرفت خداوند است. امام رضا علیه السلام شرط رهایی از عذاب الهی را توحید و شرط توحید را قبول ولایت و امامت می‌داند. خداوند متعال برترین حاکم و ولی این جهان است و همه پدیده‌ها در سایه قرب او معنا پیدا می‌کند. در چنین حکومتی حاکم مسئول است و دیگر به دید منفعت‌طلبانه به حکومت نظر نمی‌افکند و حکومت ودیعه‌ای الهی است و همه چیز صبغه الهی پیدا می‌کند (نقیه، ۱۳۹۱: ۷۱).

ب. امام معصوم

اندیشه سیاسی شیعه بر حاکمیت امام معصوم سامان یافته و فقط با حاکمیت اوست که امور سامان می‌یابد و امت راه صلاح و سعادت را می‌پیماید. امام رضا علیه السلام با معرفی جایگاه و مقام امام معصوم بر انتصابی و عصمت بودن آن تاکید می‌کند. امامت در عین اینکه زعامت دینی و دنیوی مردم را برعهده دارد از همه حیث شایسته‌ترین فرد برای تصدی حکومت است (درخشه، ۱۳۹۴: ۱۹). آنان جانشینان رسول خدا هستند و در هر زمانی امر

امامت استوار است و هیچ‌گاه هستی خالی از حجت نیست. چنانکه در روایتی به نقل از محمد بن اسماعیل، امام رضا (علیه السلام) می‌فرمایند: هرکه بدون امامی بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۶۶۸). از نظر امام رضا (علیه السلام) امام موهبتی از جانب خدا برای مردم است؛ زیرا عقول مردم توان انتخاب امام را ندارد (طبرسی، ۱۴۳۰ ق، ج ۲: ۴۳۳). بر این مبنا، حرکت صحیح و واقعی بر اساس سنت و روش پیامبر و امیرالمومنین (علیه السلام) است. در حقیقت با این مختصات که امام رضا (علیه السلام) برای امام معصوم برمی‌شمرد، حکومت عباسیان را به چالش می‌کشد و به‌نوعی حکمرانی مد نظر ایشان را هم می‌توان در این قالب گنجانند. از مجموع روایات امام رضا (علیه السلام) درباره شئون امام این‌طور برداشت می‌شود که اجرای حدود و احکام الهی، پاسداری از جامعه اسلامی در برابر هجوم بیگانگان، تقسیم سرمایه‌های عمومی میان افراد جامعه، ایجاد وحدت و انسجام میان اقشار جامعه، حمایت از مظلومان، حفظ دین از تحریف و دستبرد بدعت‌گذاران و کج‌اندیشان از شئون و وظایف امامت است. بدیهی است ابزار تحقق این شرط‌ها، قدرت اجرایی و سیاسی است. بر این اساس، مقام امامت در عین ارتباط و پیوستگی با حوزه الهی و وحیانی به مسائل سیاسی و اجتماعی بی‌اعتنا نیست و امور را به نحوی تدبیر می‌کند که کاربست قدرت در راستای تحقق اهداف اساسی به بهترین شکل پیاده‌سازی شود (جمال‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۸۷).

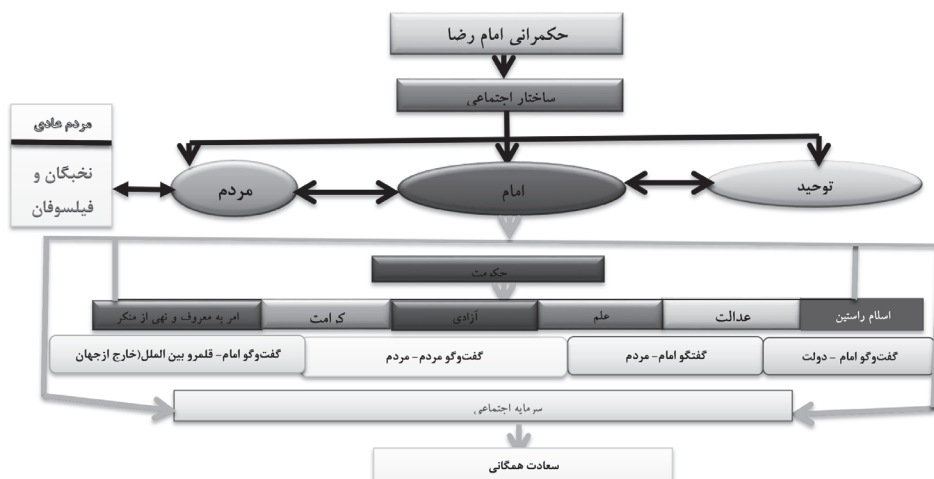
ج: مردم

منصب عالی امامت و انجام وظایف و مسئولیت‌های آن نیازمند بیعت و استقبال مردمی نیست. به دیگر سخن، مشروعیت آن به مقبولیت عمومی نیاز ندارد؛ زیرا مشروعیت و حقانیت‌اش را از خدا به‌دست می‌آورد. پس امام همواره حق و مشروع است، خواه همه مردم او را به امامت قبول داشته و با وی بیعت کرده باشند، خواه حتی یک نفر هم به او ایمان نیاورده باشد (حسینی فر، ۱۳۹۵: ۱۵۵)، اما اساساً آنچه را که خداوند به‌عنوان امام و اولی الامر برای مردم قرار داده است، قطعاً اقبال مردمی نیز در پی دارد، کما اینکه در زندگی امام رضا (علیه السلام) بارها استقبال مردم از ایشان در تاریخ به ثبت رسیده است، از جمله

استقبال بی نظیر مردم نیشابور از ایشان که هزاران نفر آماده و قلم به دست منتظر قدوم ایشان بودند و همچنین نماز باران و عید فطر (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۴۱). لذا دوره حیات امام هشتم علیه السلام اوج گیری گرایش مردم به اهل بیت علیهم السلام و گسترش پایگاه های مردمی این خاندان است. امام از پایگاه شایسته مردمی برخوردار است و در همان شهر که مامون با زور حکومت می کرد او مورد قبول همه مردم بود و بر دل ها حکومت می کرد، چنانکه مامون را مجبور به پیشنهاد ولایت عهده می کند.

بر این اساس، ساختار سیاسی و ماهیت الهی آن در دین اسلام و مذهب تشیع و به موازات آن سیره امام رضا علیه السلام دارای ابعادی فراتر از خلافت (دولت) است و در کنار آن اضلاع اجتماعی دیگری وجود دارد که در این ساختار (حکمرانی) وجه غالب و ماهیت اصلی و همچنین هدف راهبردی آن از طریق گفت و گو بین تمام سطوح اجتماعی قابل تحقق است که البته این ارتباطات همه جانبه به پویایی اجتماعی و در نهایت شکل گیری سرمایه اجتماعی منجر می شود.

ساختار حکمرانی گفت و گو محور امام رضا علیه السلام



۵-۴. ارائه راه حل

حکمرانی مطلوب در اندیشه و سیره امام رضا (علیه السلام) و به نوعی تحقق جامعه مد نظر ایشان به دو فرایند به هم پیوسته وابسته است: ۱. گفت‌وگو بین ارکان اجتماعی ۲. از طریق گفت‌وگو سرمایه اجتماعی ایجاد می‌شود که این خود جامعه را در مسیر تحقق اهداف قرار می‌دهد.

۵-۴-۱. گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی در سیره و اندیشه امام رضا (علیه السلام)

همان‌طور که گفته شد امام رضا (علیه السلام) برای انسان حق آزادی و اندیشه قائل است و در همین چهارچوب به کنش سیاسی و اجتماعی تمام آحاد مردم جامعه می‌اندیشد. از نظر ایشان دیگران هم حق دارند آزادانه فکر کنند و هر چه خواستند، بگویند و این را گامی مثبت و مقدماتی در ایجاد ارتباط و گفت‌وگو در جامعه و بین نیروهای اجتماعی می‌دانند که زمینه را برای توسعه نظام اجتماعی و گسترش سرمایه اجتماعی فراهم می‌کند.

۵-۴-۲. گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی در سطح دولت (خلافت)

باتوجه به سیره امام رضا (علیه السلام) و سایر ائمه، حتی در سخت‌ترین شرایط، حق امامت و ولایت خود را کتمان نکرده و در هر فرصت و شرایطی آن را به حکام وقت یادآوری می‌کنند و این حرف که ائمه از سیاست و مسائل حکومت دوری می‌کنند، عین بی‌اطلاعی از روش و راهبرد امامان است، زیرا ائمه هیچ‌گاه از حق خود چشم‌پوشی نکردند و همواره به مسائل دینی و سیاسی اجتماعی اهمیت می‌دادند و نبودن حکومت به دست ایشان دلیلی بر بی‌توجهی به سیاست یا مدارا با خلفای وقت نبوده؛ زیرا شیعه، امامت را بالفعل می‌داند نه بالاستحقاق، در حالی که به درستی معلوم است پیشوایان، امکان تأسیس حکومت نیافتند (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۷۵).

امام رضا (علیه السلام) با شرط دخالت نکردن در وظایفی که به‌طور متعارف بر عهده ولایت عهد بوده است، ساختار ولایت‌عهدی را عوض کرد و آن‌گاه آن را پذیرفت. این پیشنهاد را

می‌پذیرم، مشروط بر اینکه کسی را نصب و عزل نکنم و سیره و روشی را بر هم نزنم و فقط در این کار مشاوره‌ای از دور داشته باشم (کارخانه، ۱۳۹۲: ۱۶۴). مامون هم برای کسب مشروعیت و سرکوب شورش علویان و در برابر خاندان عباسیان به آن امام نیاز داشت، پیشنهادهای ایشان را پذیرفت، اما در عین حال بیشترین مواضع سیاسی امام رضا (علیه السلام) در دوره مامون و در دوره ولایت‌عهدی اتخاذ شده است. گفت‌وگو بین امام و اعضای دستگاه خلافت و همچنین کوششی که ایشان انجام می‌داد تا بین اعضای دستگاه خلافت تعامل و گفت‌وگو در جهت خدمت به مردم فراهم شود، دوگزاره اصلی و راهبردی امام در این بخش است.

امام در گفت‌وگو با مامون، این نکته را متذکر می‌شود که مسائل داخلی جهان اسلام در وضعیت مناسبی قرار ندارد و اولویت خلیفه درگام اول باید سامان بخشیدن به امور داخلی باشد و از اعتماد به افراد ناشایست اجتناب شود و از وی به خاطر غفلت و بی‌اطلاعی انتقاد می‌کردند (درخشه، ۱۳۹۲: ۲۸). امام همچنین درباره نقش حیاتی کارگزاران نظام اسلامی به مأمون تذکر می‌دادند. درباره امت محمد و فرمانروایی که بر ایشان داری از خدا بترس، زیرا کارهای آنان را تباه کردی و کار را به دست کسانی سپردی که به غیر حکم خداوند بلندمرتبه دآوری می‌کنند و خود در این سرزمین ماندگار شده و خانه هجرت و محل فرو آمدن وحی را ترک کردی و بر مهاجران و انصار با نبود تو ستم می‌رود و سوگند و پیمان هیچ مؤمنی را نگاه نمی‌دارند و روزگار بر مظلومان به‌سختی می‌گذرد و آنان برای زندگی به هزینه‌ای دسترسی ندارند و کسی را نمی‌یابند که نزد او از اوضاعی که دارند شکایت کنند (کلینی، ۱۳۸۱: ج ۵: ۱۱۱). امام همچنین مامون را به برقراری عدالت و رفع فقر و محرومیت دعوت می‌کند و تأکید دارد این مایه خشنودی و خوشحالی یک حاکم اسلامی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۹: ۱۶۵). ایشان همچنین یادآوری می‌کند که هر فردی از کارگزار با مردمان تحت قلمرو خویش برادر هستند و از این منظر باید با آنان به برابری و برادری رفتار کند و در هر چیزی که برابری در آن رواست (کلینی، ۱۳۸۱: ج ۱: ۴۱۲). به‌طور کلی امام رضا (علیه السلام) در گفت‌وگوهایش با مامون چنین ویژگی‌هایی را در انتخاب مدیران شایسته برشمرد: ۱. دانش ۲. مهارت ۳. خودمفهومی (وجدان کاری، امانتداری، عدالت،

سلامت نفس) ۴. ویژگی‌های رفتاری (تواضع، وظیفه‌شناسی، فضایل اخلاقی، ساده زیستی) ۵. انگیزه (قرب الهی) (شاه علی و دوالی، ۱۳۹۶: ۲۴۸-۲۲۴). امام همچنین بیشتر کارگزاران را به اتحاد و هماهنگی در خدمت به مردم توصیه می‌کند و ناهماهنگی و افتراق آنان را از این هدف دور خواهد کرد (صحیفه الرضا، ۱۴۰۶ ق: ۳۹۴). از نظر امام رضا (علیه السلام) حکومتی که بین اجزا و ارکان آن ناهماهنگی و عدم افتراق باشد، در رسیدن به اهداف و تدبیر حکومت عاجز می‌ماند و این به فروپاشی و سستی پایه‌های حکومت منجر می‌شود.

بنابراین پذیرش ولایت‌عهدی توسط امام رضا (علیه السلام)، در حقیقت بازگشت ائمه به سیاست بود و زمینه را برای مطرح شدن بیشتر گروه‌های شیعی در فضای سیاسی و اجتماعی و ارتباط با دیگر گروه‌های اجتماعی فراهم می‌کند. از طرف دیگر، امام رضا (علیه السلام) با حضور در ساختار قدرت، رسالت تعلیم سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و هدایتگری خود را از نزدیک‌ترین فاصله به حاکمیت آغاز کرد. در حقیقت، این کار به آن حضرت این امکان را می‌داد که به جای تمرکز بر اصلاح کنشگران و تلاش برای به‌سازی خلیقات فردی و جمعی آنان، آموزگاری اخلاق را از اصلاح و ترمیم حاکمیت و نسبت آن با مردم آغاز کند و اینکه با رعایت اخلاق می‌توان به کنش سیاسی و به مدیریت جامعه پرداخت.

آن حضرت ضمن توجه به مقتضیات زمانی و مکانی و به‌نوعی تکیه بر قاعده مصلحت و همچنین تاکید بر مبانی اسلامی در تعامل با مردم، به آنان می‌آموزد که مدل و الگوی دینی در رابطه بین حاکم و مردم آن است که او دنبال می‌کند نه آنکه در رفتار مامون به چشم می‌آید. با این سیره در حقیقت تفاوت فاحش میان سبک حکمرانی اهل بیت (علیهم السلام) با سبک سیاست‌ورزی بنی عباس را بیان می‌کند. امام رضا (علیه السلام) با بیان این سخنان مدل جدیدی در نسبت میان حاکمیت و دین در انداخته و مسئولیت اصلی حاکمیت را پاسداری از اصالت دین معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ۱۸۳). از این‌رو، ایشان با دو هدف به گفت‌وگو و مباحثه در سطح دستگاه خلافت عباسی و کارگزاران حکومتی مبادرت می‌نمودند: ۱. ارشاد خلیفه و کارگزاران حکومتی در جهت برقراری مسیر صحیح توأم با انصاف و عدالت ۲. هماهنگی و تعامل بین کارگزاران در بخش‌های مختلف به جهت آنکه امور حکومتی و خدمت‌رسانی به مردم با سرعت و سهولت انجام گیرد. بنابراین آن حضرت در

سطح نظام خلافت و روش حکومتداری در پی اصلاح بینش عمومی نسبت به قدرت و سیاست و تبیین دقیق آن در اسلام است.

۵-۴-۳. گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی بین امام رضا (علیه السلام) و جامعه

پس از رحلت رسول الله ﷺ و با توسعه سرزمین‌های اسلامی، مسلمانان به فرقه‌های گوناگون تقسیم شدند و به تدریج انحراف‌هایی در عقاید آن‌ها پدیدار شد. در دوره امام رضا (علیه السلام) که این موضوع بیشتر اوج گرفته و عقاید برخی از این نحله‌ها به شدت در جهت انحراف جامعه بود، امام سعی می‌کرد با مدارا با آنان برخورد کند و از نیروی منطق و استدلالی قوی برای مقابله با این جریان‌ها برخوردار باشند (غنی، ۱۳۹۵: ۱۶). بنابراین در این شرایط امام رضا (علیه السلام) در دو بخش به اصلاحات فکری و دینی پرداختند: ۱. رد عقاید باطل و منحرف ۲. بیان افکار و عقاید صحیح و اصولی در جامعه آن روز و در گفت‌وگو با مردم عادی یا مناظره با صاحبان فرق و نحله‌های گوناگون فکری.

بر این اساس، امام رضا (علیه السلام) از هر فرصتی برای برای ایجاد رابطه قوی میان خود و مردم استفاده می‌کند. از مهاجرت و گذار از شهرها برای تبلیغ، تثبیت و گسترش تشیع و امامت بهره‌گیری می‌کند و تهدید را به پیشرفت و فرصت تبدیل می‌سازد. ارتباط امام رضا (علیه السلام) با مردم چنان قوی بود که حضرت در نزد مامون از فعالیت خویش در مدینه یاد می‌کند و می‌فرماید: به خدا قسم وقتی در مدینه بودم سوار بر مرکب خویش می‌شدم و میان کوچه و بازار رفت و آمد می‌کردم و وقتی اهالی مدینه و دیگران حاجات و نیازهای خود را از من درخواست می‌کردند، آن را برآورده می‌ساختم. آن‌ها مثل عمو و خویشاوندان من بودند، نامه‌های مرا در شهر می‌پذیرفتند و سفارش‌های من را رد نمی‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۴۴). امام رضا (علیه السلام) برای بصیرت‌افزایی و گسترش فرهنگ اسلامی جلسات علمی زیادی را تشکیل دادند. خانه او معمولاً پر از مردم بود و از موارد گوناگون به خصوص در حوزه احکام اسلامی می‌پرسیدند (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۲۳). علاوه بر آن جلسات خصوصی برای شیعیان و یاران خود داشتند و این جلسات در خلوت شب صورت می‌گرفت. امام شاگردان خود را به حضور می‌طلبیدند و مطالبی را با آن‌ها در میان می‌گذاشتند و به تدریج

شاگردانى عالم و دانشمندی را تربیت کردند که این شاگردان هم خود در توسعه و نشر دین اسلام و اصول آن نقش بی بدیلی داشتند.

بنابراین امام رضا (علیه السلام) برای تبیین و ترویج اصول اساسی دین اسلام در سطح عمومی و جامعه در برخورد با مردم عادی به گفت‌وگو می‌پردازند و در مرحله بعد هم با سران و اندیشمندان فرق و نحله‌های گوناگون به مناظره و گفت‌وگو آن هم با آداب و رسوم خاص خود و نیز با تسلط به مبانی و علوم مختلف می‌پرداختند و به‌زودی طرف مقابل را مجبور به پذیرش حرف حق می‌کردند. چنانکه شیخ صدوق می‌فرماید مامون اندیشمندان سطح بالای هر فرقه را در مقابل امام قرار می‌داد تا حجت آن حضرت را به‌وسیله آنان از اعتبار بیندازد و این به جهت حسد او نسبت به امام و منزلت علمی و اجتماعی او بود، اما هیچ کس با آن حضرت روبه‌رو نمی‌شود جز آنکه به فضل او اقرار کرده و به آنچه از طرف امام علیه او اقامه می‌شد ملتزم می‌شدند (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۵۲). در عصری که علوم و فرهنگ‌های گوناگون رواج داشت، امام رضا (علیه السلام) چون خورشیدی فروزان توانست در عرصه فرهنگی بتابد و به تبلیغ اسلام اصیل بپردازد. چنانکه از اقدامات مهم امام در این دوره توسعه همه‌جانبه علوم است. در زمینه برخی از این علوم مانند طب و فقه کتاب مستقلی به نام «طب الرضا» و «فقه الرضا» منسوب به ایشان وجود دارد. در زمینه تفسیر قرآن کتابی از احادیث تفسیری ایشان به نام امام رضا (علیه السلام) تدوین شده که حاکی از توجه آن به تفسیر قرآن و گسترش آن است. بنابراین تمام اهتمام امام در این دوره از طریق گفت‌وگو و مناظره بر نشر و گسترش و همچنین نهادینه کردن مذهب تشیع در سطح جامعه و از بین بردن تمام انحرافات است (کریمی و دیمه کار، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

بر این اساس، می‌توان گفت پذیرش ولایت‌عهدی از سوی امام رضا (علیه السلام)، دین را از یک مسئله حاشیه‌ای به متن قدرت و سیاست برد. این راهبرد به آن حضرت کمک می‌کرد تا بتواند اصلاح جامعه و نیز دینی ساختن آن را از سرچشمه با ارتباط صحیح، صمیمی و همه‌جانبه با مردم دنبال کند. در حقیقت او مواعظ خود را از معطوف بودن به کنشگران خرد بالاتر برده و با اصلاح ساختار قدرت تلاش دارد تا افراد و شهروندان جامعه را اصلاح کند. یکی از قواعد اصیل اسلامی که امام درباره مردم و اصلاح آن به کار می‌برد، مقوله

امر به معروف و نهی از منکر و دور کردن آحاد جامعه از انحراف و لغزش است. بنابراین در این بخش هم راهبرد کلی امام در اعتمادسازی و همکاری اجتماعی در دو قالب می‌گنجد:

۱. با ارتباط صمیمی با مردم عادی سعی در هدایت آنان به مبانی دین اسلام به دور از انحرافات دارد.
۲. مناظره با افراد خاص و دانشمندان در جهت آشکار کردن انحراف آنان با شیوه‌های مخصوص خودشان. بنابراین از پیامدهای ولایت‌عهدی امام این بود که جامعه اسلامی دریافت که چه کسانی شایسته هستند و مأمون با عمل خود بر این حقیقت اعتراف کرد. امام در شهرهای مختلفی از بلاد اسلام با مردم روبه‌رو می‌شدند و مسلمانان که در آن روزگاران با نبودن وسایل ارتباط جمعی از بسیاری از آگاهی‌ها محروم بودند، ایشان را ملاقات و حق را مشاهده کردند. آشنایی بسیاری از متفکران و دانشمندان مختلف که در مرو با امام به مناظره و بحث نشستند و اثبات عظمت علمی امام و شکست مأمون و خنثی شدن توطئه‌هایش برای تحقیر امام را باید از آثار مثبت سیاست امام در بطن جامعه تلقی کرد که در جهت حفظ اتحاد جامعه اسلامی بر گرد حقانیت اسلام در برابر هجمه‌های گسترده فکری و اعتقادی دشمنان اسلام موثر بود.

۵-۴. گفت‌وگو و سرمایه اجتماعی در نواحی خارج از قلمرو اسلام

امام رضا (علیه السلام) از موقعیت کم‌نظیر و اثرگذار دوره ولایت‌عهدی پیش از آنکه به جنبه اجرایی و قدرت سیاسی توجه داشته باشند، آن را بیشترین و بهترین فرصت بهره‌برداری در هدایت معنوی مردم قرار دادند. در این فرصت ایشان سعی کرد با سفر به ایران و تمام سرزمین‌های اسلامی و همجوار اصول اعتقادی اسلام و تشیع را بیان کنند. امام رضا (علیه السلام) در این دوره در پایه‌گذاری و گسترش اندیشه کلامی مسلمانان و تشیع بسیار موفق بودند و به پاسخگویی به سوالات مسلمانان و غیرمسلمانان در امور گوناگون می‌پردازند (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۷).

بر این پایه، موضوعی که امام در مناظراتش به آن توجه کرد و باعث تزلزل شدید پایه‌های حکومت عباسی شد تقریب مذاهب بود. در این دوره، خلفا به بحث‌های فرقه‌ای دامن می‌زد که امام رضا (علیه السلام) در جهت عکس آن‌ها عمل می‌کرد و به خاطر احاطه بر اصول

تمام ادیان می‌توانست در جهت تقریب مذاهب عمل کند. در کنار آن امام رضا (علیه السلام) به تربیت شاگردانی اقدام کرد و این شاگردان با برپایی و شرکت در مناظرات علمی که حضور رهبران مذهبی و ادیان‌های مختلف دینی برگزار می‌شد به تبیین مواضع کلامی اسلام و اهل بیت ع می‌پردازند. شاگردان امام به واسطه اینکه علم و دانش‌شان برگرفته از ایشان بود، قدرت و تاثیرگذاری فراوانی بر نخبگان و مردم شهرهای مختلف داشتند که در تاریخ، جایگاه آنان در ترویج دین و معرفی معارف اسلام در بسیاری از نقاط بسیار مهم قلمداد می‌شود.

یکی دیگر از ابزارهایی که در دوران اهل بیت از ظرفیت آنان استفاده شد، شعر و همچنین نقش پررنگ شعرا در بین مردم است. نام دعبل بن علی خزاعی برای همه عاشقان امام رضا (علیه السلام) شناخته شده است. همراهی این یار وفادار با اهل بیت او را شاعری برجسته و سفیری برای ترویج سیر و سلوک ائمه معصومین و همچنین نشر معارف ناب اسلامی تبدیل کرده است. همچنین دستاورد دیپلماسی قوی امام رضا (علیه السلام) بسترسازی برای انتقال مرکزیت شیعه از سرزمین حجاز به ایران بود. امام با اینکه به صورت رسمی در هیچ مسئله‌ای دخالت نمی‌کنند، اما بنا بر اصل امر به معروف و نهی از منکر بسیاری از انحرافات و اشکالات را گوشزد می‌کند و همین موضوع موجب گسترش تعالیم اصیل دین اسلام در سراسر جهان آن روزگار شد، اما امام رضا (علیه السلام) در جهت تعامل و ارتباط با دیگر ملت‌ها و ادیان اصولی به کار می‌گیرند که این اصول موجب نزدیکی ملت‌ها به معارف اسلامی و نیز اعتماد و اطمینان آنان به معارف اسلامی می‌شود که عبارت است از:

پذیرش شاگرد از طرف امام بدون هیچ محدودیت قومی و دینی.

از بین بردن هرگونه امتیاز طبقاتی و هر نوع برتری جویی فردی و اجتماعی (دلبری و زحمتکش، ۱۳۹۶: ۴۲).

انجام مناظره در فضایی آرام و به دور از تنش و تسلط امام به امور گوناگون شرایط را برای جذب دیگر اقوام فراهم می‌کند.

حضرت مسئله برابری و عدالت اجتماعی را از ضروری ترین مسائل در حفظ و تحقق تقریب مذاهب مطرح می کند و اعلام کردند که عدالت لازمه توحید است (اسماعیل زاده امامقلی، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

از نظر امام، اختلاف عقیده در زندگی اجتماعی و بین انسان ها امری طبیعی به شمار می آید و این اختلاف عقیده نباید مانع تقریب و وحدت شود.

احترام به حقوق دیگر مذاهب؛ درنگرش امام رضا اختلافی که ناشی از عوامل سیاسی، اجتماعی و بر پایه حب و بغض های مذهبی باشد برای فهم و تدبیر در دین و کشف حقیقت نه تنها پذیرفتنی نیست، بلکه جلوگیری از آن نیز لازم و این خود در حقیقت عاملی برای تقریب مذاهب است.

نفی قومیت گرایی: یکی از راهکارهای اسلام برای تحقق تقریب مذاهب و وحدت در جامعه مسلمین و ایجاد حس برادری و یکی شدن آحاد مسلمانان، نفی نژادپرستی و تبعیض های ناروا بین افراد جامعه بوده است.

ترویج خردگرایی: امام رضا (علیه السلام) با رفتار و گفتار خویش خردگرایی را ترویج می کنند و در این زمینه بر آزاد اندیشی تاکید دارند (سیاوشی، ۱۳۹۴: ۷۴).

بنابراین امام رضا (علیه السلام) با توجه به منطق و بینشی که در دین اسلام و در اندیشه ایشان نهفته بود، به تقریب دین اسلام و دیگر مذاهب می پردازند و با تعامل صحیح و گفت و گوی منطقی در نشر و گسترش دین اسلام و صیانت از یکپارچگی دینی و حاکمیتی در جامعه اسلامی اقدامات جدی به عمل می آورند.

۵-۴-۵. گفت و گو و سرمایه اجتماعی در میان مردم و گروه های مختلف اجتماعی

با توجه به نکات گفته شده امام به نوعی هدایت سراسری در جهت اسلام اصیل و حقیقی در نظر می گیرند و در این مسیر یکی از شیوه هایی که امامان طی چند قرن برای تثبیت عقاید صحیح اسلام و انتشار آن به کار می بندند، پرورش اصحاب و شاگردان

مکتب اهل بیت بود تا در برابر انحرافات جامعه یا در مناظراتی که بین اصحاب و علمای سایر فرق در مکتب خلفا روی می‌دهد با آمادگی کامل مقابله نمایند. در این جهت تعلیم و تربیت امام رضا (علیه السلام) هم بیشتر مربوط به دوران تقیه ایشان و در دوره هارون الرشید است. همین شاگردان به تعامل با مردم می‌پردازند و درگسترش عمومی معارف اصیل اسلامی نقش بسزایی دارند. امام رضا (علیه السلام) علاوه بر تبیین معارف حقیقی اسلام در تعاملات بین مردم با یکدیگر و در عرصه اجتماعی بر اصولی تاکید دارند که این اصول به تحکیم و ثبات اجتماعی در جامعه اسلامی منجر شود. از موارد اصلی که در حوزه فردی دارای نمودی اجتماعی است، می‌توان به تقوا اشاره کرد، چراکه شخص غیر مطیع امر خدا طبیعتاً در برابر مردم نیز کرنش نخواهد کرد. کسی که حاضر نیست در برابر نعمات الهی شکرگزاری کند چگونه می‌تواند با مردم سازگاری یابد و به آنان احترام بگذارد (حسینی فر، ۱۳۹۵: ۱۰۸). از بارزترین شاخص‌های سیره عملی آن حضرت شب زنده‌داری و عبادت ایشان است که اکثر شب‌ها را تا سحر بیدار بوده و بسیار روزه می‌گرفتند (قیومی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). عبادت و خشوع در برابر خداوند متعال خود به تحکیم و برادری اجتماعی منجر می‌شود. یکی از مبانی که در اندیشه و سیره امام رضا (علیه السلام) جلوه‌گر است و موجب تقویت سرمایه اجتماعی بین مردم می‌شود، محبت است که از طریق گفت‌وگو و نزدیکی ایشان با اقشار مختلف آشکار می‌شود و سعی می‌کنند که این مقوله را بین مردم هم پیروانند. امام معصوم همواره بر این مولفه تاکید زیادی دارند که دوستی و دشمنی جز در راه خداوند نباشد (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۹). از مفاهیمی که در قالب ارتباط مردم با مردم و در تعاملات آن‌ها با هم در سیره رضوی نمود پیدا می‌کند، مفهوم احسان و نیکوکاری است. احسان مردم به یکدیگر به وجود آورنده جامعه‌ای همبسته و همگن می‌شود که به سرعت در مسیر پیشرفت و سعادت گام بر می‌دارد. البته از نظر امام رضا (علیه السلام) بنیان چنین جامعه‌ای بر مدار معنویت است. این معنویت خود زمینه را برای تقویت توسعه شهامت، اطمینان و آرامش روانی، عفت و پاکدامنی، شرافت، برپایی جامعه‌ای سالم انسانی و در نهایت خوشبختی و تعالی همگان می‌شود (صحیفه الرضا، ۱۴۰۶ ق: ۸۵).

ابتدایی‌ترین نکته‌ای که ایشان در ارتباط با یکدیگر تاکید دارند که رعایت شود راستگویی

است. از آنجا که می‌تواند سرچشمه‌ای برای ایجاد اعتماد شود، چنانکه ایشان آن را در کنار تقوی و ورع بیان می‌فرمایند (فقه الرضا، ۱۴۰۶ق: ۳۵۶). امام رضا (علیه السلام) همچنین بر امانتداری در کنار راستگویی تاکید دارند و در نامه شریف به عبدالعظیم می‌فرمایند دوستانم را به امانتداری امرکن؟ امام رضا (علیه السلام) در تعامل مردم با یکدیگر سنجیدگی و خویشتن‌داری را از موارد ضروری بر می‌شمردند (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۱۸). از مواردی که امام مورد توجه قرار می‌دهد، احسان است. امام رضا (علیه السلام) خطاب به عبدالعظیم حسنی می‌فرمایند: به دوستانم سلام برسان و به آنان امرکن توجه به یکدیگر را که این امر باعث نزدیک شدن به من است. احسان به هموعان صرفاً در مسائل مالی خلاصه نمی‌شود بلکه هرگونه کمک‌های فکری، معنوی، عاطفی، علمی را هم در برمی‌گیرد. البته در کنار این موارد که به نوعی تحکیم همبستگی آن‌ها می‌شود، عفو و بخشش است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۸۱).

با توجه به این نکات امام رضا (علیه السلام) در ارتباطات اجتماعی به تقوا، پرهیز از تفرقه و جدل و ایجاد همدلی بین مردم توجه دارد و این موارد را به عنوان موجد همبستگی اجتماعی قلمداد می‌کند (سروی مجد، ۱۳۹۵: ۲۱۲-۲۴۹). ایشان با استناد به فرمایشی از امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: از تشنت و تفرقه و جدایی پرهیزید، زیرا موجب رفتن همت و کم شدن ارزش و پایین آمدن قدر و منزلت شما می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۵۳). ایشان در جایی دیگر جدایی از اجتماع مسلمانان و خروج از وحدت اجتماعی را نوعی بیرون شدن از دایره مسلمانی و بازگشت به جاهلیت دانسته و فرموده‌اند: آنکه از جماعت مسلمانان جدایی جوید، بند اسلام را از گردن نهاده است و مرگی جاهلانه خواهد داشت (همان: ۷۳). بنابراین امام رضا (علیه السلام) در عرصه اجتماعی و تعامل افراد با یکدیگر بر اصولی تاکید دارند که این اصول می‌تواند زمینه را برای مفاهمه، همکاری و نزدیکی بین آنان فراهم نماید.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به راهبردهای امام رضا (علیه السلام) در فضای اجتماعی و سیاسی عصر خلافت

عباسی برای هدایت مردم با استفاده از بازسازی چهارچوب تحلیلی توماس اسپرینگز پرداخته شد. ایشان در عصری می‌زیست که جامعه اسلامی به‌رغم انحراف از مبانی اسلامی در اوج شکوفایی فلسفی و علمی بود. از این‌رو حتی قبل از ولایت‌عهدی برای غلبه بر این انحرافات با توجه به مبانی اصیل اسلامی، به‌نوعی نظام اجتماعی و سیاسی یا حکمرانی مطلوب می‌اندیشند. در این نظام حکمرانی که بنیانی توحیدی دارد، دولت دارای ماهیتی راهبردی و راهبر در تحقق سعادت دنیوی و اخروی است و علاوه بر حکومت با ماهیت مورد اشاره، نیروهای اجتماعی دارای کنشی فعالانه و هماهنگ هستند. بر این اساس امام رضا (علیه السلام) تحقق این حکمرانی را در مفاهیم و گفت‌وگو بین این ارکان می‌داند. در جریان این گفت‌وگو و تفاهم ایشان در سطح خلافت انواع انحرافات را گوشزد می‌کند و اینکه خلافت و زعامت امور به اهل بیت تعلق دارد و اتفاقاً مشکلات عمومی جامعه از این بخش نشئت می‌گیرد. امام رضا (علیه السلام) همچنین به ترمیم نوع ارتباط حکومت و مردم می‌پردازد و حکومت را رکنی می‌داند که علاوه بر تمشیت امور، با همدلی و یگانگی، وظیفه هدایت مردم در مسیر حقیقی را دارد. در مرحله بعد امام به ارتباط صمیمی با مردم عادی و مناظره با نخبگان در جهت اثبات حقانیت دین اسلام می‌پردازند. امام رضا (علیه السلام) با ترویج آموزه‌های اسلامی سعی در ایجاد همبستگی و همدلی بین مردم و دوری از افتراق می‌کنند. یکی دیگر از سیاست‌های امام در عملیاتی شدن راهبرد خود و تحقق اهدافش تقریب مذاهب است که ضمن تبیین معارف حقیقی، سعی در برقراری بین اسلام و سایر ادیان دارند. بر این پایه می‌توان گفت امام رضا (علیه السلام) در قالب معارف اسلامی نوعی نظام حکمرانی را در نظر دارد که در آن دولت اسلامی از ظرفیت‌های لازم برای هدایت امور برخوردار و با تمام ارکان اجتماعی در ارتباط است و تعاملات اجتماعی و گروهی در بالاترین سطح خود قرار دارد. در عین اینکه این تعاملات وجود دارد، تضارب و تفرق نظرات هم با گفت‌وگو و مفاهیم در جهت هدف مد نظر هدایت می‌شود. ارتباط حوزه اجتماعی و سیاسی هم زمینه را برای تحقق اهداف در اداره امور عمومی فراهم می‌کند.

با توجه به این نکات و با تاسی از همین آموزه‌ها در نظام حکمرانی امام رضا (علیه السلام) می‌توان گفت که در عصر کنونی و برای تحقق اهداف انقلاب اسباب اسلامی در گام دوم لازم است

در مرحله اول دولت ساخت، ماهیت و فرایندهای اداره امور را بر اساس فرهنگ و اصول انقلاب اسلامی سامان دهی کند و در مرحله دوم مفاهمه و گفت و گوی همه جانبه بین ارکان اجتماعی و نظام سیاسی در قالب ظرفیت هایی موجود در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی و نیز با استفاده از امکانات و ابزارهای جدید ارتباطی شکل بدهد.

منابع و مآخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۰). *الا مال*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: کتابچی.
- _____ (۱۴۱۳ق). *من لایحضر الفقیه*. ۴ جلدی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۷۲). *عیون اخبار الرضا*. ترجمه علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید. جلد ۱ و ۲. تهران: نشر صدوق.
- اسپرینگز، توماس. (۱۳۷۰). *فهم نظریه‌های سیاسی*. ترجمه فرهنگ رجایی. چاپ دوم. تهران: انتشارات آگاه.
- اسفندیاری، مصطفی. (۱۳۹۵). «آرمان شهر از منظر امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۴، ش ۱۵. صص: ۹۹-۱۳۲.
- اسماعیل زاده امامقلی، یاسر. (۱۳۹۵). «نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۴، ش ۱۵. صص: ۱۵۵-۱۹۱.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۳). *مصلحت و شریعت: مبانی و جایگاه مصلحت در اسلام*. تهران: انتشارات گام نو.
- _____ (۱۳۹۲). «مفهوم سیاست در مکتب رضوی». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۱، ش ۳. صص: ۷-۲۶.
- اکبری، امیر. (۱۳۹۰). «واکنش‌های سیاسی امام رضا (علیه السلام) در تقابل با بحران‌های عصر خویش». *فصلنامه پژوهشنامه تاریخ*. س ۷، ش ۲۵. صص: ۱-۳۱.
- امام جمعه زاده، سیدجواد؛ مسعودی رجا، سید ذکریا؛ سراج، سیدعلی. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی کاربست پارادایم جهانی شدن فرهنگ و جهان‌بینی دینی بر ساماندهی زندگی بشریت با تأکید بر معارف رضوی». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۴، ش ۱۵. صص: ۱۹۳-۲۲۷.
- امام جمعه زاده، سیدجواد؛ محمود اوغلی، رضا. (۱۳۹۳). «واکاوی مواضع سیاسی امام رضا (علیه السلام) در بحران‌های اعتقادی- سیاسی دوره (۲۰۳-۱۸۳ق)». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۲، ش ۵. صص: ۷-۳۰.
- بور، مارک. (۱۳۹۷). *حکمرانی: مقدمه‌ای بسیار کوتاه*. ترجمه عرفان مصلح و زهره کریمیان. تهران: نشر کرگدن.
- بوردو، ژرژ. (۱۳۷۸). *لبیر الیسم*. ترجمه عبدالوهاب احمدی. تهران: نشر نی.
- تاج‌بخش، کیان. (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیراز.
- جمال‌زاده، ناصر؛ کیانی مجاهد، حامد؛ حکیمی، محمد. (۱۳۹۷). «قدرت نرم در سیره رضوی». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۷، ش ۲۸. صص: ۱۸۷-۲۱۷.
- جمعی از نویسندگان، زیر نظر احمد پاکتچی و به اهتمام مرتضی سلمان نژاد. (۱۳۹۳). *ابعاد شخصیت و زندگی حضرت امام رضا (علیه السلام)*. ۲ جلدی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- جهانگیر فیض‌آبادی، احمد؛ فرخی، میثم. (۱۳۹۵). «واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در سیره امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۴، ش ۱۴. صص: ۷-۲۸.
- حاتمی، محمدرضا؛ بیگی، محمدرضا؛ رفیعیان، سجاد. (۱۳۹۸). «مهم‌ترین مولفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه و کنش سیاسی امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۷، ش ۲۶. صص: ۱۱۹-۲۱۸.
- حسینی فر، مریم. (۱۳۹۵). «مبانی اندیشه و رفتار سیاسی امام رضا (علیه السلام)». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی*. دانشگاه علامه طباطبائی.

- حسینیان، روح‌الله. (۱۳۹۷). چهارده سال رقابت/ایدئولوژیک شیعه در ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- درخشه، جلال؛ حسینی، سید مهدی. (۱۳۹۴). «مولفه‌های سیاست‌ورزی در سیره امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۳. ش ۱۲. صص: ۷-۳۴.
- _____ (۱۳۹۲). «سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام) در برخورد با حکومت جور (مطالعه مورد ولایت عهدی)». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۱. ش ۱. صص: ۷-۳۱.
- درخشه، جلال؛ موسوی نیا، سید مهدی. (۱۳۹۷). «مولفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)». دوفصلنامه پژوهش‌های علم و دین. س ۹. ش ۱۷. صص: ۱-۲۸.
- دلبری، شهربانو؛ زحمتکش، زهرا. (۱۳۹۶). «به کارگیری شیوه‌های تسامح و تساهل در سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۵. ش ۲. صص: ۳۱-۶۸.
- رجبی، فاطمه؛ مطهری، اعظم. (۱۳۹۴). «سبک شناسی کلامی امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی و کلامی. س ۵. ش ۱۹. صص: ۸۱-۹۸.
- رفاعی، احمد فرید. (۱۳۴۶ق). عصر المأمون. مصر: دارالکتب المصریه.
- سروی مجد، علی. (۱۳۹۵). «تعاملات اجتماعی مطلوب در آموزه‌های امام رضا (علیه السلام) با تاکید بر نامه حضرت عبدالعظیم حسنی». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۴. ش ۱۶. صص: ۲۱۱-۲۴۹.
- سلطانی نژاد، احمد. (۱۳۹۶). «فناوری اطلاعات و تحول در مفهوم حکمرانی خوب». فصلنامه سیاست. س ۴۷. ش ۱. صص: ۷۹-۹۷.
- سیاشوی، کریمی. (۱۳۹۴). «راهکارهای تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه مطالعات تقریب مذاهب اسلامی. س ۱۰. ش ۲۹. صص: ۷۳-۸۴.
- شاه علی، احمد رضا؛ دوالی، محمد مهدی. (۱۳۹۶). «خصوصیات مدیران شایسته در سیره رضوی». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۵. ش ۲۰. صص: ۲۲۳-۲۵۴.
- صالحی، صغری. (۱۳۹۵). «نقش مولفه‌های کرامت در کمال انسان از منظر امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ رضوی. س ۴. ش ۱۳. صص: ۹۳-۱۲۰.
- صحیفه الرضا. (۴۰۶ق). منسوب به امام رضا علی بن موسی (علیه السلام). مشهد. ناشر: کنگره جهانی امام رضا (علیه السلام).
- طبرسی، فضل ابن الحسن (۴۳۰ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۳). تاریخ طبری. مترجم ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر.
- عجم اوغلو، دارون و رایبسون، جیمز. (۱۳۹۲). چرا کشورها شکست می‌خورند؟ سرچشمه‌های قدرت، فقر و غنای کشورها. ترجمه پویا جیل عاملی و محمدرضا فرهادی. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- غنوی، امیر. (۱۳۹۵). «طرح اندیشه مهدویت در کلام معصومان: امام کاظم (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه مشرق موعود. س ۱۰. ش ۳۷. صص: ۴-۳۰.
- فرمیتهنی فراهانی، محمدرضا؛ یآوری، محمد جواد. (۱۳۹۳). «اندیشه و سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه معرفت. س ۲۳. ش ۱۹۶. صص: ۶۳-۸۲.
- فقه الرضا. (۴۰۶ق). منسوب به امام رضا (علیه السلام). مشهد: موسسه آل البيت (علیهم السلام).

- قادری، حاتم. (۱۳۸۹). *اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- قمی، حاج شیخ عباس. (۱۳۷۷). *منتهی الامال*. قم: جاویدان.
- قیومی اصفهانی، جواد. (۱۳۸۷). *صحیفه الرضا*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کارخانه، علی. (۱۳۹۲). *سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام) و تحلیل مسئله ولایت عهدی*. قم: بوستان کتاب قم.
- کریمی، محمود؛ دیمه کار، محسن. (۱۳۹۲). *مجموعه تفسیری امام رضا (علیه السلام)*. مشهد: بنیاد بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا (علیه السلام).
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۱). *اصول الکافی ج ۱*، ۴ و ۵. مترجم: سید جواد مصطفوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). *جامعه شناسی*. تهران: نشرنی.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). *حکمت نامه رضوی (جلد اول)*. ترجمه حمیدرضا شیخی. چاپ و نشر دارالحديث.
- مفتاح، محمد هادی؛ غلامعلی، قاسم؛ کردنژاد، نسرین. (۱۳۹۴). «امکان سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*. س ۲. ش ۲. صص: ۱۵۱-۱۷۸.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۸). *الارشاد*، ترجمه رسولی محلاتی. بی جا: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- موثقی، سید احمد. (۱۳۸۶). «گفتگو و توسعه». *فصلنامه سیاست*. س ۳۷. ش ۲. صص: ۱۹۱-۲۲۷.
- میرزایی، سید سعید. (۱۳۹۶). «تحلیل شیوه ها و ابعاد نهاد سازی در روند ساخته شدن دولت پس از انقلاب از منظر نهادگرایی تاریخی». *فصلنامه دولت پژوهی*. س ۳. ش ۹. صص: ۱-۴۳.
- میرحسینی، یحیی؛ میرجلیلی، علیمحمد؛ زارعی محمودآبادی، حسن؛ زارع زردینی، احمد؛ هاشمی، زهرا. (۱۳۹۹). «مواضع امام رضا (علیه السلام) در برابر گفتمان های مشروعیت سیاسی دستگاه خلافت». *فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ رضوی*. س ۸. ش ۳۱. صص: ۱۵۵-۱۸۴.
- نقیه، محمد رضا. (۱۳۹۱). «سیاست اخلاقی در سیره امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه اخلاق*. ش ۶. صص: ۶۷-۸۱.

- Binder, Leonard(2018). *Islamic Liberalism*. Chicago&London: The University of Chicago press.
- Guga, Ayuba(2015). *Good Governance, Akey Drive to Sustainable Development in Nigeria*. International Journal of Education and Resarch.
- Kaufmann, Danial(2010). *The World wide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues*, The World Bank Development Ressearch Group Macro economics and Growth Team September.
- Kazantsev, A, (2012). *Policy networks in European–Russian gas relations: Function and dysfunction from a perspective of EU energy security, Communist and Post-Communist Studies*.
- Pierre, J. and Peters, B. G, (2012). *Debating Governance: Authority, Steering, and Democracy*. Oxford: Oxford University Press
- Plumptre, tim & JhonGraham(1999), *Governance And Good Governance: International and Aboriginal Perspectives*. Institute On Governance, December 3.

- Putnam, Robert(2001), Social Capital:Measurement and Consequences.Isuma-Canadian Journal of Policy Research,Vol.Spring.5-41.
- Sapru.R.K.(2006),Administration Theories& Management Thought, Pubihshed by Prentice hall of India.
- UN-HABITAT(2012)."Global Campaign on Urban Governance:Concept Paper Access in:www.unhabitat.com.
- Van der Kroon(2002), Social capital and communication. Agricultural Economics Research Institute (LEI).
- Wolcock, Micheal(1998).Social Capital and Economic Development:Toward a Theoretical Syntesis and Policy Frmework.Theory and Society,Vol.27.